

آمریکاستیزی چرا؟

روژه گارودی

ترجمه: جعفر یاره

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
فصل اول: پیدایش آمریکا	۱۱
۱- استفاده ابزاری از دین و احساسات مذهبی	۱۱
۲- شکل‌گیری و جهت‌دهی افکار عمومی	۱۶
۳- سود اقتصادی مهمترین انگیزه	۱۹
۴- نژادپرستی افراطی	۲۴
۵- جمع‌بندی	۲۸
فصل دوم: مراحل رشد و توسعه	۲۹
۱- آمریکا، قاره‌ی بزرگ	۲۹
۲- اروپا در دام آمریکا	۳۳
۳- جهان در برابر خطر	۴۴

- فصل سوّم: دهکده‌ی بزرگ جهانی ۵۱
- ۱- اروپای پیمان ماستریخت، اروپای آمریکایی ۵۱
- ۲- آسیای آمریکایی ۵۷
- ۳- تهاجم فرهنگی آمریکا ۶۲
- ۴- نظام اقتصاد جهانی ۶۶
- ۵- سلطه‌ی صنایع نظامی ۶۹
- ۶- دنیای نامتعادل آمریکایی ۷۱
- فصل چهارم: توریوکاپینالیسم، حيله‌ای نوین ۷۵
- ۱- تعریف نظام ۷۶
- ۲- عدالت اجتماعی و سود اقتصادی ۷۸
- ۳- جهانی شدن ۸۰
- ۴- پیامدهای فرهنگی ۸۰
- ۵- بر سر دو راهی ۸۴
- فصل پنجم: چه باید کرد؟ ۸۷
- ۱- آمریکا چگونه به اینجا رسید؟ ۸۷
- ۲- مقابله با جنگ افروزی ۸۹
- ۳- مقابله با سلطه‌ی اقتصادی و فرهنگی ۹۰
- پی‌نوشت‌ها ۹۹

پیشگفتار

گرانیکاه جهان جدید، طرح پرسش‌ها و آموزه‌های معرفت‌شناختی تازه است. اکنون در آشوبناکیِ روزگار معاصر، بشریت نیازمند به همواره دیگرگونه زیستن، خرد را چراغ افق‌های تاریک فرادست کرده است. بی‌تردید، امروزه هر ذهن اندیشنده ژرف‌کاو، در هر سرزمین و به هر آیین، با این پرسمان جدی تاریخی رویاروست: «ما در کجای جهان ایستاده‌ایم؟»

با برآمدن آفتاب درخشنده و فروزنده انقلاب اسلامی در سرزمین ما، هویت فرهنگی و تاریخی ایرانیان، در فصل تازه خویش، طلیعه تمدنی تازه را نوید می‌دهد که بر بنیاد ایستارها و انگاره‌های قدسی دین شکل می‌گیرد. نیز از این روست که در بستر این تمدن‌سازی ایمانی، چالش‌های مرتبط با عرصه‌های دین و تدین، دانش و پژوهش، علم و فن‌آوری و مفاهیم و سازه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، همه و همه، با همراهی بی‌شماری از پرسش‌های دراز دامن و نفس‌گیر، در حیات جمعی جامعه ما، به‌ویژه در میان دانشجویان پرسنده و پژوهنده، بسط یافته‌اند. ذهن تکاپوگر و فرهیخته دانشجوی معاصر، نیازمند آن است که در فرایند هم‌ارزی و یا تقابل

نهادهای مدرن و ساختارهای برآمده از آن‌ها با لایه‌های تمدن شکوهمند اسلامی برای انبوه پرسش‌های خویش پاسخ‌هایی سخته و سنجیده بیابد. روشنفکران و اندیشه‌ورزان ما، اکنون و بیش‌تر و ژرف‌تر از هرگاه دیگر، باید به بازسنجی دستاوردهای عقلانیت مدرن پردازند و ایستاده بر سکوی استوار مشرب مشرقی خویش، در بازتولید اندیشه‌های مینوی و ادبیات معنوی، طرحی نو دراندازند. افسون‌زدایی از ساحت افق‌های مادی گرایانه و فرآوری نگره‌های نو، متناسب با شؤون حیات امروزی آدیان، نخستین و بایسته‌ترین مسؤلیت خردورزان است.

کانون اندیشه جوان، چونان نهادی برآمده از متن ناگزیر بایسته‌ها و ضرورت‌ها، می‌کوشد تا به مدد همت بلند ارباب دانش و پژوهش و باهدف بسط و توسعه فرهنگ فیاض دین، نیازهای فکری جوانان دانش‌پزوه را به فراخور توانمندی‌های خویش پاسخ گوید و قبسی از مشعله همواره فروزان لاهوت را در پیش چشم‌های نگرنده و نگران آنان بدارد؛ باشد که این نهال نو، روزاروز، برگ و باری تازه گیرد و طراوت و شادابی افزون‌تر پذیرد.

این کتاب، حاصل یکی از همین کوشش‌های همدلانه و همراهانه در بیان چرایی مخالفت اندیشمندان دنیا با سیاست‌های تحمیلی ایالات متحده امریکا است. تلاش محقق گرامی، جناب آقای پروفسور روژه گارودی و مترجم ارجمند، جنای آقای جعفر یاره را ارج می‌نهیم و امید می‌بریم که این مکتوب دریچه‌ای روشن فراروی خوانندگان ارجمند بگشاید و بر خردمندی و خرسندی آنان بیفزاید.

کانون اندیشه جوان

مقدمه

آمریکاستیزی نه برخوردی متعصبانه با یک ملت مستقل و نه نوعی ملی‌گرایی افراطی است. آمریکاستیزی یعنی مقابله با یک فرهنگ خاص که ما آن را فرهنگ «آمریکایی» می‌نامیم. بنابراین «آمریکایی» بودن تنها به کسانی که در آمریکا متولد شده‌اند یا به بنیانگذاران آمریکا تعلق ندارد. «آمریکایی» به تمام کسانی اطلاق می‌شود که با این فرهنگ خاص زندگی می‌کنند. بر این اساس مفاهیم جغرافیایی و نژادی در این بحث جایی ندارد.

خصوصیت اصلی این فرهنگ «تحمیلی» بودن آن است. تحمیل خواستهای گروهی از افراد برکل بشریت. با این دیدگاه، خانم تاچر، آقای بلر، ژاک شیراک و بسیاری از رهبران کشورهای جهان به همان اندازه «آمریکایی»، هستند که کلینتون، کیسینجر و....

اساس آمریکاستیزی نیز مقابله با این فرهنگ است. مکتب

«آمریکاستیزی» در برابر یک نظام تحمیلی جهانی و رهبران آن قرار گرفته و به همان اندازه که برای نجات مردم محروم جهان از سلطه‌ی آمریکا تلاش می‌کند، برای رهایی مردم آمریکا که خود نیز قربانی این نظام شده‌اند، تلاش خواهد کرد.

مکتب «آمریکا ستیزی» و فرهنگ «آمریکاگرایی» هم اکنون مقابل یکدیگر واقع شده‌اند. در این مقابله‌ی رویاروی اگر «آمریکاگرایی» پیروز شود بدون شک شاهد نابودی دنیا، زوال انسانیت، نابودی تاریخ مشترک انسانها و حذف خدا از زندگی انسانها خواهیم بود.

«آمریکاستیزی» باید از یک مبارزه درونی با «خود» شروع شود. زیرا خطرات بالقوه «آمریکاگرایی» برای تمام افراد بشر خطرناک و دلهره‌آور است.

هدف اصلی این کتاب، نگاهی به چگونگی پیدایش و پایایی این نظام سلطه‌گراست. در پایان ذکر دو نکته ضروری است:

اول آنکه: آمریکاستیزی و بیگانه‌ستزی دو مفهوم جدا از یکدیگرند چراکه اولی یک مکتب جهانی و دومی نوعی احساس ملی‌گرایانه است.

و دیگر آنکه: دلیل این مبارزه آن است که امروزه آمریکا قصد دارد با تکیه بر قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی خویش، خود را بر دنیا تحمیل نماید؛ که البته تنها راه آمریکا برای دستیابی به این هدف عوامل داخلی و رهبران خود فروش هر جامعه است.